

آثار تاریخی تبریز

بقلم آقای همائی

در شماره سابق وعده داده بودیم که راجع بتاریخ بنا ونام بانی بعضی آثار قدیمه تبریز باختصار چیزی بنویسیم . اینک بتاریخ بنای سه اثر قدیم یعنی مسجد کبود و ارك عیاشی و ربع رشیدی بمناسبت قصیده‌ای که در شماره قبل درج شده است شروع میکنیم :

۱ - مسجد کبود

از جمله ابنیه و آثار مهم آذربایجان بلکه همه ایران یکی همین مسجد است که بنامهای مختلف مسجد کبود، مسجد جهانشاهی، گوی مسجد (گوگ مسجد) مشهور میباشد .

این مسجد در روزگار گذشته در جزو یادگارهای مایه افتخار این مملکت شمرده میشده و اکنون از آنجا ویرانه اسف انگیزی بایک سردرب کاشی مخروبه ای که در شرف انهدام کلی است با یاره ای آثار دیگر از قبیل تخته سنگهای مرمر که آیات قرآنی با نهایت ظرافت و زیبایی روی آنها حجاری شده است و گچ بریها و کاشیهای ریخته معرق و غیره باقی مانده است و میتوان از روی علائم و آثار بجا مانده تاحدی بعظمت عمارت و هندسه بنا و زیبایی و شکوه اولی آن پی برد و از روی نقوش و صور در و دیوار شکسته اش آثار بزرگی و اهمیت گذشته پدیدار است . در زمان ریاست بلدیة آقای میرزا محمدعلیخان تربیت تنها خدمت بزرگی که باین اثر مهم تاریخی انجام گرفت این بود که از وضع ملال آور مزبله خارج شد . چه مانند غالب مساجد و مدارس ایران تاحدی که ممکن بوده است مؤمنین خانه خدا را قسمت کرده اند و هر کس بدست موزه و بهانه ای چند ذرع از زمین مسجد را گرفته و جزو خانه یا دکان کرده است و باقیمانده مزبله عمومی شده و کنکافات محله در آنجا انبار میشود و اخیراً در اثر اقدامات بلدیة با زحمت بسیار تخته سنگهای بزرگ مرمر بعضی شکسته و برخی درست از زیر خروارها زباله و خلك و کنکافت بیرون آمد .

عجب است که شخص تازه وارد و قتیکه سر درب پر عظمت مسجد را می بیند تصور میکند که از این در وارد صحن و فضای مناسبی خواهد شد و پس از تحقیق می بیند که بقول معروف درش بدیوار چسبیده و پشت در اصلاً صحن و فضائی وجود ندارد و فقط يك اطاق تنگ تاریک مسقفی پشت این در واقع است !!

بازی مسجد کبود از ابنیه و آثار قرن نهم هجری است و بطوریکه از کتیبه باقی مانده سردرب معلوم میشود بانی این مسجد جهانشاه بن قرا (قره) یوسف از

مشاهیر پادشاهان سلسله (قراقوینلو) است و تاریخ بنا چهارم ماه ربیع الاول سال هشتصد و هفتاد (۸۷۰) هجری است.

چنانکه در تواریخ دیده ایم از اواخر قرن هفتم هجری و شاید مقارن با سلطنت ارغون خان بن اباخان ۱ دودسته از طوائف تر کمن از تر کستان بحدود آذربایجان و عراق عجم و آناتولی مهاجرت کردند و تدریجاً اعتبار و اقتدارشان بجائی رسید که دوسلسله سلاطین ایران را تشکیل دادند یکی بنام قراقوینلو بمعنی صاحب گوسفند سیاه و دیگر آق قوینلو یعنی صاحب گوسفند سفید و وجه تسمیه این است که روی علمها و بیرق های آنها صورت کوسفند سیاه و سفید بود.

طایفه قراقوینلو در اواخر قرن هشتم هجری بیش از پیش بر اقتدارشان افزوده شد و در زمان امیر تیمور و اخلاقی سلطنت رسیدند و قره یوسف (۸۰۹-۸۲۳) پسر قره محمد معاصر تیمور و پسرش میرزا شاهرخ در حقیقت مؤسس این سلسله بود که در جنوب دریاچه وان یا در شهر وان مستقر گشت و ارمنستان و آذربایجان را در حوزه سلطنت خویش داشت و امیر تیمور او را مغلوب ساخت ولی وی از بعد فوت امیر تیمور مجدداً مالک ممالک سابق شد.

گوهر شاد آغا بانی مسجد معروف گوهر شاد در مشهد مقدس رضوی خواهر همین قره یوسف است که زوجه میرزا شاهرخ پسر امیر تیمور گورکان بود. مشهورترین سلاطین سلسله قره قوینلو میرزا جهانشاه بن قرا یوسف بانی مسجد کبود است که مردی دلیر و با اقتدار بود و فارس و گرجستان و کرمان را فتح و ضمیمه ممالک خود ساخت و بالاخره تقریباً مالک تمام ایران شد و پسرانش در تبریز و بغداد حکومت داشتند.

میرزا جهانشاه بزم فتح خراسان حرکت کرد ولی پسرانش بر او باغی و مانع اجرای مقاصدش شدند.

جهانشاه با طایفه دیگر تر کمانان یعنی آق قوینلو جنگ کرد و بدست سیاه اوزون حسن (این تسمیه بمناسبت بانندی قامت اوست چه اوزون در ترکی بمعنی بلند است) در سال ۸۷۲ کشته شد و سلسله قره قوینلو بقتل جهانشاه انقراض یافت چنانکه سلسله آق قوینلو هم بعدها بدست شاه اسمعیل صفوی منقرض گشت.

۲ - ربع رشیدی

منسوب است بخواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (۶۴۵-۷۱۸) که از افاضل وزرا و نویسندگان و منشیان ایران است و ابتدا بعنوان طبابت بخدمت اباخان ییوست و سپس قریب بیست سال در عهد غازانخان و برادرش اولجایتو و پسر اولجایتو سلطان ابوسعید (۷۱۶-۷۳۶) وزارت و درضمن سلطنت کرد و بالاخره بتحریر دشمنان در عهد ابوسعید اول پسر ۱۶ ساله اش در برابر چشم پدر ۷۳ ساله کشته شد و بعد در نزدیکی تبریز خودش را کشتند و جسدش را در نیمه کردند (۱۷ج ۱ سال ۷۱۸).

خواجه رشید الدین در تألیف کتاب جامع التواریخ که بامر غازانخان شروع و فرمان اولجایتو در حدود ۷۱۰ ختم کرد خدمتی شگرف بتاریخ و ادبیات ایران انجام داد - و در تبریز چند بنای مهم بهلوی یکدیگر ساخت از قبیل مدرسه و دارالشفاء و دارالسیاده و مسجد و کتابخانه و گنبدی برای مدفون خویش و ابنیه رشیدالدین محلی تشکیل داد بنام (ربع رشیدی). ربع رشیدی یکی از کتابخانه‌های بزرگ آنوقت بود و در آنجا بامر خواجه تألیفات خودش و سایر کتب مهمه آنوقت جمع آوری و در دسترس طلاب گذارده شده بود .

پس از کشته شدن خواجه رشیدالدین نفایس ربع رشیدی یکبار بغارت و یغما رفت و آنچه باقی مانده بود بار دیگر بعد از کشته شدن پسرش خواجه غیاث الدین (۲۱ رمضان ۷۳۶) بغارت برده شد و اکنون از آنهمه آثار تنها ظلی در ناحیه شمال شرقی تبریز خارج از شهر دیده میشود که مایه اعتبار دیده های عبرت بین و نماینده عصر عظمت ایران و فراینده روح افسوس است .

۳ - ارك علیشاه

فعلا قسمتی از دیوار حصارش باقی و ضلع جنوبی باغ مالی باطراوت تبریز است . این بنا از آثار تاج الدین علیشاه جیلان تبریزی است که در ابتدا دلال جواهر و احجار کریمه بود و کم کم در دستگاه اولجایتو صاحب اعتباری شد و بتنصیلی که در تواریخ مسطور است بعد از قتل سعد الدین ساوجی (۷۱۱) وزیر اولجایتو باشاره خواجه رشیدالدین بوزارت انتخاب شد . تدریجاً کارش بالا گرفت بطوریکه از رقبا و اعدای بزرگ خواجه رشیدالدین گشت و در ۷۱۵ شریک خواجه رشید الدین در امر وزارت و فرمانروائی شد . و بالاخره در اثر دشمنی و تحریکات او و یارانش خواجه دانشمند بقتل رسید و علیشاه بعد از قتل او شش سال بدون رقیب وزارت ابوسعید کرد و عاقبت در سال ۷۲۴ وفات یافت .

نگفته نماند که غالب بلکه تمام ابنیه تبریز در اثر زلزله های سخت خراب شده است و ارك علیشاه و شاید مسجد کمبود و ربع رشیدی هم از آنجمله عمارات باشد . هر چه هست مایه تأسف و اعتبار است .

جلال همائی

می خور که جهان بهانه جویست

اکنون که چمن چمانه جویست می خور که جهان بهانه جویست
 بی عقل بود هر آندلی کو در فصل بهار خانه جویست
 ای تن به کرانه ای برون شو زیرا که خرد کرانه جویست
 از دانه بیسر که خاقه دام در گردن مرغ دانه جویست
 کم بالش نشانه در هنر زانک تیر فلکی نشانه جویست
 حمیدالدین عمر بن محمود بلخی صاحب مقامات حمیدی (متوفی در ۵۵۹)